

روش نیازسنجی و نظام موضوعات در کتاب «اولویت‌های پژوهشی علوم و معارف حدیث»

محمد مهدی احسانی فر^۱

علی فرهمندیان^۲

چکیده

نیازسنجی پژوهشی علوم و معارف حدیث به معنی شناخت موضوعات مورد نیاز برای پژوهش‌های حدیثی است. این کار به پژوهشگران، استادان، دانش پژوهان و دانشجویان برای مسأله‌یابی و گزینش موضوع پژوهشی، کمک می‌کند. همچنین مسیر آینده علوم و معارف حدیث را نشان می‌دهد. «اولویت‌های پژوهشی علوم و معارف حدیث» نام کتابی است که در آن محصول پروژه نیازسنجی پژوهشی علوم و معارف حدیث، آمده است. مقاله کنونی در صدد است تا روش این پروژه و ویژگی‌های آن را تبیین کند. شناخت این روش، مخاطب را در الگویابی برای انجام کارهای مشابه، یاری کرده و بهره‌گیری از کتاب را آسان و روشمند می‌سازد. بدون آشنایی با روش کار، استفاده از کتاب یادشده، همراه با ابهاماتی بوده و چه بسا مخاطب را به نتیجه مورد نظر نرساند. این نگاشته در سه بخش به معرفی «روش نیازسنجی»، «نظام موضوعات» و «آمارها و تحلیل» می‌پردازد.

واژگان کلیدی

مسأله‌یابی حدیثی، موضوع‌شناسی حدیث، آمارهای حدیثی، ممیزی دانش حدیث، علوم حدیث، علوم پشتیبان

درآمد

نقطه آغاز هر پژوهشی، مسأله‌یابی است؛ دانستن اینکه چه موضوعی، مشکل روز است و نسبت آن با موضوعات دیگر چیست؟ نیازسنجی پژوهشی «فرایند شناسایی نیازهای پژوهشی بالقوه و تعیین اولویت در بین پروژه‌های مختلف تحقیقاتی»^۳ است. نیازسنجی پژوهشی با گردآوری اطلاعات از

۱. ehsanyfar@gmail.com

۲. مدرّس و عضو گروه علوم حدیث جامعه المصطفی العالمیة. (Farahmandianali@gmail.com)

۳. ن. کد نیازسنجی پژوهشی، ص ۵.

کارشناسان و کسان مرتبط و تجزیه و تحلیل آن، به شناسایی نیازهای واقعی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها کمک می‌کند.^۴ امروزه نیازسنجی پژوهشی یکی از ضرورت‌های اساسی نظام علمی کشور است؛ زیرا با کمک آن می‌توان، تولید، گسترش و ترویج دانش را روشمند ساخته، از تکرار کارهای موازی، جلوگیری و وضعیت موجود دانش را به وضعیت مطلوب تبدیل کرد.

نیازسنجی پژوهشی در حوزه‌های علمیه و مراکز آموزشی - پژوهشی اسلامی نیز اهمیتی ویژه‌ای دارد؛ زیرا «حوزه‌های علمیه اگر بخواهند متناظر با رسالت جهانی دین اسلام، نقش رهبری و پاسخ‌گویی به نیازهای فردی و اجتماعی مردم را در ابعاد گوناگون و در سطح ملی و فراملی به‌درستی ایفا کنند، چاره‌ای جز این ندارند که راهبرد اساسی تحول نیازمحور را برگزینند.»^۵ از این رو بایسته است حوزه‌های علمیه برای برنامه‌ریزی، هدف‌گذاری و تعیین اولویت‌های علوم حوزوی، چشم‌انداز آینده را ترسیم کنند. پیش‌نیاز چشم‌انداز، شناسایی وضعیت موجود و نیازسنجی و اولویت‌بندی پژوهشی علوم، مرتبط با این مرکز بزرگ علمی - اسلامی است.

علوم و معارف حدیث، عرصه‌ای از دانش‌های اسلامی است که به‌عنوان «مادر علوم اسلامی»^۶ شناخته می‌شود. حوزه‌های علمیه و برخی از مراکز علمی، متصدی آموزش، پژوهش و نشر در این گستره هستند. این زمینه از دانش، دو محور «علوم حدیث» و «معارف حدیث» را در خود جای می‌دهد. «مجموعه دانش‌هایی که در دست‌یابی، ارزیابی، فهم و ارتباط‌شناسی حدیث، نقش دارند» علوم حدیث نامیده شده و «آموزه‌های حدیثی در موضوعات مختلف مورد نیاز انسان» معارف حدیث گفته می‌شود.

تلاش‌های فردی گذشتگان و کنونیان و فعال‌شدن گروه‌ها و مراکز متعدد حدیثی، مجموعه‌ای گسترده از دانش‌ها و روش‌ها را پدید آورده است. با این‌همه، هنوز دانش حدیث در جایگاه شایسته خود قرار نگرفته و در پژوهش‌های پژوهشگران و آموزش‌های مدرّسان، آن‌سان که باید، به کار گرفته نمی‌شود. هنوز بسیاری از زوایای الهام‌بخش احادیث معصومان علیهم‌السلام پرده‌برداری نشده و در میدان فرهنگ‌سازی، آن‌چنان‌که شایسته است از دریا‌های نورانی احادیث، گوهرهای ناب زندگی‌ساز، استخراج نمی‌شود. یکی از مهم‌ترین دلایل‌های چنین فاصله‌ای، نبودن ارتباط مناسب، میان جهت‌گیری‌ها و عناوین پژوهشی مراکز و مجموعه‌های حدیثی با ضرورت‌های میدانی و واقعی است.

۴. ن. کد ضرورت نیازسنجی پژوهشی در پژوهش‌های سازمانی، ص ۳.

۵. نگاشته «دستیابی به هندسه‌های نیاز، اولین راه تحول است»، مجله رهنامه پژوهش.

۶. ن. کد پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی (حفظه الله) به مناسبت افتتاح موسسه دارالحدیث، ۱۳۷۴ش.

«شناسایی نیازهای پژوهشی بالقوه در حوزه علوم و معارف حدیث و تعیین اولویت‌ها در بین پروژه‌ها و موضوع‌های حدیثی جهت عملیاتی‌کردن آن‌ها» تعریفی از نیازسنجی پژوهشی علوم و معارف حدیث است. این نیازسنجی، ضرورتی است گران در راستای احیای کارآمدی این حوزه از دانش و اثرگذاری آن بر تمدن‌سازی اسلامی. با پیمودن مسیر نیازسنجی علوم و معارف حدیث، زمینه علمی لازم برای ایجاد تغییر در برنامه‌های موجود و اثربخشی و کارآیی برنامه‌های آینده فراهم می‌آید. بر این اساس، پیش از هرگونه فعال‌سازی طرح‌های پژوهشی در قلمرو علوم و معارف حدیث و هزینه‌سازی‌های پیرو آن، شایسته است نیازهای پژوهشی این دانش، شناسایی و اولویت‌یابی شود. مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه با عنایت به اهمیت و جایگاه این نیاز، اجرای طرح نیازسنجی پژوهشی دانش‌های حوزوی را پس از وضعیت‌سنجی کنونی آن یا همان «ممیزی علوم» در اولویت قرار داد و معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه با همکاری انجمن حدیث حوزه، ممیزی و نیازسنجی پژوهشی علوم و معارف حدیث را آغاز و زمستان سال ۹۶ این طرح به پایان رسید.^۷

کتاب «اولویت‌های پژوهشی علوم و معارف حدیث» نخستین اثری است که در این رشته نگارش شده و حاصل هم‌اندیشی، کار گروهی، نظرخواهی از استادان حوزه و دانشگاه و صاحب‌نظران رشته علوم و معارف حدیث است که از سال ۱۳۹۳ خورشیدی آغاز و در سال ۱۳۹۶ به ثمر رسید. روشن است که از آن زمان تاکنون، برخی از موضوعات، کار شده و برخی از اولویت‌ها تغییر کرده‌اند؛ اما بیشتر مطالب این کتاب که با تأخیری سه ساله منتشر شده اکنون نیز قابل بهره‌برداری است. مقاله کنونی روش نیازسنجی علوم و معارف حدیث و نظام موضوعات آن را مطرح می‌کند. پرسش اصلی نگاشته حاضر، این است که «اولویت‌های پژوهشی علوم و معارف حدیث» با چه روشی تعیین شد؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند راه پیموده را نشان داده و الگوی حرکت پروژه را برای بهره‌گیری در طرح‌های مشابه، تصویر نماید. همچنین با دقت در این روند، روش و نظام، می‌تواند نقاط قوت و ضعف کار را به صورت روش‌مند شناسایی کرده و تکرارپذیری نتایج یادشده را با توجه به مسیر طی شده، تضمین کرد.

مباحث این نگاشته، برگرفته از مقدمه علمی کتاب یادشده است که پیشتر توسط نویسندگان همین مقاله، نگاشته شده بود و اکنون پس از تغییراتی اندک، منتشر می‌شود. این مباحث در سه بخش به «مراحل و روش نیازسنجی»، «نظام موضوعات» و «آمارها و تحلیل» ارائه می‌شود.^۸

۷. از استاد بزرگوار جناب حجت الاسلام و المسلمین مسعودی (حفظه الله) که زمینه چاپ این کتاب را فراهم کردند، تشکر می‌کنم. همچنین اگر مشاوره، همکاری و حمایت همه‌جانبه، مستمر و بی‌دریغ جناب حجت الاسلام و المسلمین فرهاد عباسی، مدیر پیشین مرکز تخصصی حدیث حوزه نبود، این کتاب با گستردگی و کیفیت کنونی به نتیجه نمی‌رسید. امری که ایشان را به یکی از صاحب‌امتیازان اصلی این اثر، تبدیل می‌کند. همچنین از جناب حجت الاسلام و المسلمین محمد صالح مازنی که اعضای طرح را همراهی و یاری نمودند، متشکرم.

۸. محتوای این کتاب در سایت معاونت پژوهش حوزه، در دسترس است.

الف) مراحل و روش نیازسنجی

پروژه نیازسنجی پژوهشی دانش حدیث پس از پایان طرح «ممیزی دانش حدیث» آغاز شد. در آغاز طرح و با توجه به رابطه ممیزی و نیازسنجی، مطالعه تحلیلی طرح ممیزی دانش حدیث، در برنامه کاری قرار گرفت. پس از آن آموزش‌هایی از سوی معاونت پژوهش حوزه، مرکز تخصصی حدیث حوزه و پژوهشکده حدیث حوزه به پژوهشگران طرح، داده شد تا توان علمی و مهارتی لازم را بیابند.

با توجه به بازه‌ای که میان مراحل پایانی طرح ممیزی دانش حدیث (۱۳۹۲ش) و مراحل پایانی طرح نیازسنجی ایجاد شد، تکمیل طرح ممیزی، ضرورت داشت. گسترش روزافزون دانش حدیث و تلاش‌های صورت گرفته در آن، موجب می‌شد تا نتوان بر پایه ممیزی سال ۱۳۹۲، نیازسنجی سال ۱۳۹۶ را نوشت. از این رو، تکمیل ممیزی دانش حدیث در برنامه کاری قرار گرفت و انجام شد. پس از این مراحل، نوبت به گام‌های اصلی طرح نیازسنجی رسید.

طرح نیازسنجی پژوهشی در قلمرو علوم و معارف حدیث با تأکید بر شناسایی مسائل بایسته و علمی و بر اساس سیری منطقی در مراحل زیر سامان یافت:

یکم) مطالعات پیشینی

مطالعات مقدماتی، نخستین گام در فرایند نیازسنجی علوم و معارف حدیث به شمار می‌رود. این گام به منظور برنامه‌ریزی و استحکام زیربنای پروژه بوده و محصول آن «طرح‌نامه پروژه» بود. طرح‌نامه، نمای کلی پروژه را از آغاز تا پایان، نشان می‌دهد. در مرحله مطالعات پیشینی، نیازسنجی‌های انجام شده قبلی و مباحث علوم پشتیبان به‌ویژه در موضوعات روش تحقیق تخصصی، روش حل مسئله و روش تولید علم، مورد مطالعه، یادداشت‌برداری و مباحثه قرار گرفت. سپس از یادداشت‌های به دست آمده، طرح‌نامه‌ای تهیه شد که در آن به بیان مسئله، نوع تحقیق، تعریف مفاهیم، اهداف اصلی و فرعی، پرسش‌های اصلی و فرعی، پیشینه، روش اجرای تحقیق، ساختار ارائه نتایج، منابع، فرایند و عوامل اجرایی تحقیق، پرداخته شد. مهم‌ترین موضوعاتی که در طرح‌نامه به آن اشاره شده عبارت است از:

۱. انتخاب رویکرد اولویت‌یابی پژوهشی

گزینش رویکرد اولویت‌یابی پژوهشی، چارچوب فکری یا طرز نگرش به فرایند نیازسنجی پژوهشی را نشان می‌دهد. مهم‌ترین رویکردهای نیازسنجی پژوهشی عبارتند از: رویکرد آسیب‌شناختی، رویکرد موضوعی - رشته‌ای، رویکرد مبتنی بر منابع یا عرضه‌محور، رویکرد تقاضا‌محور،

رویکرد علمی و رویکرد ترکیبی.^۹ آن چه در نیازسنجی پژوهشی علوم و معارف حدیث مورد توجه بوده، رویکرد ترکیبی است. در این رویکرد، از همه مزایای روش‌های متعدد بهره گرفته می‌شود.

۲. شناسایی همراهان (جامعه پژوهش)

همراهان طرح نیازسنجی کسانی هستند که در امور اجرایی، کارشناسی، مشورتی و نگارشی پژوهش، می‌توانند یاری‌رسان باشند. پیش از اجرای طرح نیازسنجی، فهرستی از این همراهان بالقوه تهیه شد. این فهرست، پنج گروه را در بر می‌گرفت.

۱/۲. اشخاص صاحب نفوذ و تأثیر

کسانی در حوزه دانش‌های حدیثی و امور مرتبط با آن، دارای تأثیر بوده و می‌توانند بخشی از مسیر نیازسنجی را هموار کنند. مدیران سازمانی و استادان شناخته‌شده، در این دسته، جای می‌گیرند.

۲/۲. طلاب سطح سه و چهار

دومین گروه، طلبه‌های سطح سه و چهار حوزه‌های علمیه بودند؛ با این قید که به‌گونه‌ای با حدیث و علوم آن مرتبط باشند. نظرسنجی از این طیف، برخی از نیازهای کاربردی را نمایان می‌سازد. دانش‌پژوهان مراکز تخصصی حوزه، در این دسته قرار دارند.

۹. تعریف اجمالی رویکردها از این قرار است:

رویکرد آسیب‌شناختی: در این رویکرد، مسائل، آسیب‌ها و دغدغه‌های مورد نظر دانش‌ها و یا سازمان، شناسایی و در اولویت پژوهش قرار می‌گیرد.

رویکرد موضوعی رشته‌ای: در آن ساختار رشته‌های علمی و تقسیم‌بندی‌های رشته‌ها عامل اصلی تصمیم‌گیری در برنامه نیازهاست. رویکرد مبتنی بر منابع یا عرضه‌محور: در این رویکرد، منابع در دسترس برای تحقیق و اجرای پژوهش‌ها، عامل اصلی تعیین‌کننده است. این رویکرد بر ماهیت، ساختار و شاخه‌های یک رشته موجود، مبتنی است و از ساختار دانش و قلمرو موجود در ذیل یک رشته علمی برای شناسایی موضوعات و عناوین پژوهش‌های آتی مختلف و تعیین اولویت‌ها استفاده می‌کند. با این معیار، عمده‌گزینش و یا در اولویت قراردادن موضوعات پژوهشی، وجود منابع برای آن‌هاست.

رویکرد تقاضا‌محور: در این رویکرد توجه به نیازهای پژوهندگان، کارگزاران و مراجعه‌کنندگان، عامل مهم تصمیم‌گیری تلقی می‌شود. در این رویکرد، نظرات و دیدگاه مخاطبان و همکاران عمده درون و برون نظام پژوهشی، پیشنهاد شده و خواسته‌ها و دیدگاه‌های کارگزاران و تصمیم‌گیران در فرایند تصمیم‌گیری به‌ویژه نیازسنجی پژوهشی لحاظ می‌شود.

رویکرد علمی: در آن، روش علمی برای حل مسائل در دستور کار قرار می‌گیرد؛ یعنی ارزش‌یابی و مقایسه پروژه‌های مختلف تحقیقاتی، تعیین اهداف و ملاک‌های مقایسه‌عنوانی پژوهشی و فعالیت‌های مختلف برای دستیابی به اهداف، مقایسه نتایج حاصله از هر یک از آن‌ها و تعیین اولویت‌ها در دستور کار است.

رویکرد ترکیبی: در آن از دو یا چند رویکرد استفاده می‌شود. (ن. کنه نیازسنجی پژوهشی: ص ۱۳)

۳/۲. دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری

گروه سوم از جامعه همراهان، دانشجویان رشته‌های الهیات و شاخه‌های مرتبط با آن در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری بودند. نظرسنجی از این طیف، می‌تواند نشان‌دهنده توقعات جامعه از حوزه در موضوع دانش حدیث باشد.

۴/۲. مراکز علمی - پژوهشی

ویژگی این گروه آن است که در آن پیشینه پژوهشی لازم، وجود داشته و تجربه سازمانی، بر پیشنهادات آن حاکم است. در این گروه، مراکزی که بر فعالیت حدیثی متمرکز بوده و یا یکی از فعالیت‌های اصلی آنان در حوزه حدیث است، مورد پیمایش قرار گرفتند.

۵/۲. مؤسسات فرهنگی - تبلیغی

مؤسسات فرهنگی و تبلیغی دولتی و خصوصی، پیشنهادهایی متناسب با نیاز سازمانی خود ارائه کرده و از این جهت، ترکیب موضوعات نیازسنجی را متنوع و کاربردی تر می‌سازند.

هرچند در مرحله شناسایی همراهان، موارد یادشده مورد توجه قرار گرفت؛ ولی محدودیت‌های مالی و زمانی و موانع پژوهش، اجازه نداد تا پیمایشی جامع در همه یا بخش بزرگی از اعضای گروه‌های یادشده، انجام شود. البته تحقیق کنونی، توانسته، متناسب با توان خویش در همه گروه‌های پنج‌گانه، پیمایش کرده و بخشی از اعضای این گروه‌ها را در کار، مشارکت دهد.

۳. تعیین روش نمونه‌گیری و ابزار جمع‌آوری اطلاعات

روش نمونه‌گیری در این طرح، «تخمینی» و بر اساس «گفت‌وگوی کارشناسان» بوده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، «آسنادی» و «پیمایشی» بوده است.

دوم) تشکیل کارگروه پژوهشی نیازسنجی

پس از مطالعات پیشینی و تهیه طرح‌نامه، کارگروهی برای گردآوری داده‌ها تشکیل شد. مسؤولیت تهیه و تنظیم پیش‌نویسی از فهرست اولویت‌های پژوهشی بر اساس «گفت‌وگوی کارشناسان» به عهده این کارگروه بود. برای توجیه و آشنایی اعضای این کارگروه با روش نیازسنجی، به آنها یک سیر مطالعاتی با موضوع نیازسنجی و کارهای انجام شده در دیگر رشته‌ها ارائه شد. در این سیر مطالعاتی، کتاب نیازسنجی پژوهشی آقای فتحي و اجارگاه، جزوه راهنمای گام به گام حجت الاسلام مازنی، ممیزی دانش حدیث ۱۳۹۲، کتاب‌های نیازسنجی پژوهشی فقه، تربیت دینی، روان‌شناسی، اقتصاد اسلامی، تفسیر و علوم قرآنی و طرح‌نامه نیازسنجی علوم و معارف حدیث با دقت، مطالعه و تحلیل شد تا اعضای کارگروه یادشده، تسلط لازم را برای اجرای کار، به دست آورند.

سوم) تعیین محورهای مطالعاتی و گردآوری منابع

در گام سوم نیازسنجی پژوهشی، تعیین محورها و گردآوری منابع مطالعاتی انجام شد. منظور از محورهای مطالعاتی، منابع قابل مطالعه‌ای است که در حوزه علوم و معارف حدیث، جهت‌یابی و سمت‌وسوی فعالیت پژوهشگر را تعیین می‌کند.

۱. محورهای مطالعاتی

محورهای مطالعاتی برای اولویت‌یابی پژوهشی عبارت است از:

۱/۱. منابع علمی - پژوهشی

این منابع، نگاشته‌هایی است که در آنها مسائل بنیادین و کاربردی دانش‌های حدیثی و مرتبطات آن مطرح شده و راه‌کارهایی نو ارائه گشته و یا راهکارهای پیشین، تبیین یا گزارش شده است. این نگاشته‌ها می‌تواند زمینه‌ای برای پژوهش‌های آینده را به دست دهد.

۲/۱. منابع و اسناد تطبیقی

این گروه، شامل نگاشته‌هایی است که به‌منظور بررسی و شناسایی نیازهای پژوهشی بالقوه حدیثی در سطح بین‌الادبانی، بین‌المذهبی و نیز مؤسسات و مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی داخل کشور، بررسی می‌شود.

۳/۱. اسناد و مدارک بالادستی

منظور از این عنوان، مجموعه برنامه‌هایی است که برای پیشرفت در سطح کشور، تدوین و مصوب شده‌اند؛ مانند برنامه جامع علمی کشور، سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه و سندهای دیگر. این برنامه‌ها منبعی الهام‌بخش برای کشف نیازها و مسیر آینده کشور و جامعه است. تطبیق این اسناد با گزاره‌های حدیثی، عنوان‌های پژوهشی متناسب با وضعیت و نیاز کشور را در اختیار می‌نهد.

۴/۱. ساختار و وظایف مراکز مرتبط و سازمان‌های فرهنگی و اجتماعی

منبعی دیگر برای استخراج عنوان‌های پژوهشی، ساختارهای سازمانی واحدها و دوایر موجود در مراکز آموزشی - پژوهشی حدیثی و مؤسسات فرهنگی و اجتماعی و شرح وظایف یا فعالیت‌های تدوین یا تعیین‌شده برای آنهاست.

۵/۱. نگاشته‌ها و ایده‌های آینده‌نگرانه

با بررسی روندهای پژوهشی و پیش‌بینی تحولات آینده جامعه بشری، وضعیت فرهنگ دینی و نقشی که دانش حدیث در چنین جامعه‌ای بر عهده خواهد داشت، می‌توان به‌عنوان‌های پژوهشی دیگری دست یافت که در مسیر آماده‌سازی برای جامعه‌ای نوین، به کار آید.^{۱۰}

۶/۱. نظریه‌های مطرح

بخش دیگری از منابع قابل مطالعه، نظریه‌های توصیفی یا تجویزی در عرصه‌های مختلف مطالعات مربوط به دانش‌های حدیثی است. این نظریه‌ها شامل نظریه‌های درون‌دانشی و برون‌دانشی است.^{۱۱}

۷/۱. چالش‌های عمده و آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی

با بررسی چالش‌هایی که در مسیر جهانی‌شدن اسلام، ارتقای فرهنگی، پیشرفت‌های علمی - تکنولوژیکی، اجرای عدالت، برقراری امنیت، محوریت تقوا، هویت و ... وجود دارد، می‌توان عنوان‌های پژوهشی دیگری به دست آورد که دانش حدیث برای مواجهه با آن، راه‌کارهایی ارائه می‌کند.

۲. گردآوری منابع

پس از تعیین محورهای مطالعاتی، نوبت به گردآوری منابع می‌رسد. در این مرحله، منابع تحقیق، ناظر بر محورهای مطالعاتی شامل منابع کتابخانه‌ای، منابع اینترنتی، مصاحبه‌ها، نشست‌های علمی و نظرسنجی‌ها گردآوری شد.

۱/۲. منابع کتابخانه‌ای و سایت‌ها

برای شناسایی و گردآوری منابع مکتوب، محورهای مطالعاتی و گرایش‌های حدیثی، مورد توجه قرار گرفته و تلاش شد تا همه منابع مرتبط با این محورها در فهرست بررسی قرار گیرد. منابع مکتوب، اعم از کتاب‌ها، مجلات، سایت‌ها و همه متن‌های منتشر شده بود.

این منابع در محور «علمی - پژوهشی» شامل اصطلاح‌نامه‌ها، پایان‌نامه‌های حدیثی، مقالات حدیثی چاپ‌شده در مجلات علمی و یا ارائه‌شده در همایش‌ها، کتاب‌های حدیثی و علوم حدیثی،

۱۰. راهنمای گام به گام نیازسنجی پژوهشی، ص ۵۵.

۱۱. راهنمای گام به گام نیازسنجی پژوهشی، ص ۵۶.

سرفصل‌های دروس حدیثی حوزه و دانشگاه و پیشنهاد موضوع و طرح‌های ارائه‌شده در سایت‌های علمی شخصی و سازمانی می‌شود.

محور «مطالعات تطبیقی» به منابعی اختصاص یافت که در آن مقایسه، نقد و تطبیقی میان مباحث حدیثی شیعه با غیر شیعه، انجام شده بود. از این رو مجلات و کتاب‌هایی که به مباحث مستشرقان، اهل سنت، دگراندیشان و مخالفان اسلام و دین پرداخته بودند، مورد توجه قرار گرفت. همچنین مباحث تقریبی در این محور، گنجانده شد.

در محور «اسناد بالادستی»، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه، نقشه جامع علمی کشور، سند مهندسی فرهنگی کشور، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مجموعه برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و سیاست‌های کلی نظام، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری (حفظه‌الله)، مورد بررسی قرار گرفت.

در محور «ساختار و وظایف مراکز مرتبط و مراکز فرهنگی و اجتماعی»، اساس‌نامه مراکز حدیثی و مؤسسات مرتبط با فعالیت‌های حدیثی، بررسی شد.

محور «آینده‌نگرانه» به مقالات، کتاب‌ها و گفت‌وگوهایی اختصاص داشت که از آینده‌پژوهی مرتبط با مباحث حدیثی و یا به طور صریح از آینده علوم و معارف حدیث سخن گفتند.

در محور «نظریه‌های مطرح»، تلاش شد تا همه دیدگاه‌های مرتبط با حدیث در داخل و خارج کشور از طریق جست‌وجوهای اینترنتی و بررسی کتاب‌ها و مقالات و ... گردآوری، دسته‌بندی و پالایش شود.

در محور «چالش‌ها و آسیب‌ها»، بیانات امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) و مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) و مراجع معظم تقلید و علما (حفظهم‌الله) مورد توجه قرار گرفت. همچنین نگاه‌های مرتبط با این محور به‌ویژه در عرصه تبلیغ و نشر دین، بررسی شد.

۲/۲. مصاحبه‌ها

برای مصاحبه با کارشناسان، دو نکته اساسی مورد نظر بود. نخست اینکه، مصاحبه‌ها، هدفمند و برای یافتن نکات نو باشد. دوم اینکه، مصاحبه‌شونده‌ها کسانی باشند که بتوانند هدف مصاحبه را تأمین نمایند؛ یعنی دارای حرف‌های خاص منتشرنشده یا کمتر منتشرشده در حوزه دانش حدیث باشند.

برای مصاحبه، ۱۷ پرسش‌نامه بر اساس گرایش‌های علوم و معارف حدیث، طراحی شد تا به متخصصان هر گرایش، ارسال و یا مصاحبه حضوری انجام شود. پرسش‌های این پرسش‌نامه، بر اساس استانداردهای طراحی پرسش‌نامه، تهیه شده و سعی شد، سؤالاتی مطرح شود که نتیجه آن، نیازهای پژوهشی را منعکس کند. این پرسش‌نامه‌ها برای ۲۸ نفر از مدرّسان و پژوهشگران حدیث، ارسال شد.

۳/۲. نشست‌های علمی

نشست‌های علمی مرتبط با حدیث، یکی از منابع مهم در شناسایی نیازهای پژوهشی این عرصه محسوب می‌شود. سخنرانان این نشست‌ها معمولاً به موضوعاتی نو یا پردازشی نو از موضوعات پیشین اشاره می‌کنند. مهم‌ترین و پرشمارترین این نشست‌ها در پژوهشکده حدیث حوزه برگزار شد. متن این جلسات علمی، تهیه شد تا در کنار سایر منابع، مورد بررسی قرار گیرد. همچنین نشست‌های حدیثی برگزار شده در مراکز دیگر از طریق سایت‌های اینترنتی مورد جست‌وجو و گردآوری قرار گرفت و نکات آن استخراج شد.

۴/۲. نظرسنجی‌ها

دستیابی به دیدگاه همراهان و مشارکان در گروه‌های پنج‌گانه یادشده، اقدامی دیگر برای تکمیل منابع پژوهش بود. روش مشاهده عینی، گفت‌وگوی حضوری و ثبت نتایج آن، سریع‌ترین، آسان‌ترین و ارزان‌ترین راه برای دستیابی به این دیدگاه‌ها بود.

چهارم) شناسایی نیاز و تجزیه و تحلیل اطلاعات

گام چهارم از فرایند نیازسنجی، استخراج نیازهای پژوهشی از منابع است. برای شناسایی نیازهای پژوهشی و تجزیه و تحلیل اطلاعات، اقدامات زیر انجام شد:

۱. شناسایی نیاز

پس از مطالعه منابع و انجام مصاحبه‌ها، اطلاعات به‌دست‌آمده به‌عنوان متن اصلی (فیش) در کاربرد ویژه شناسایی نیاز، نوشته شد. فیش‌های به‌دست‌آمده بیش از ۳۰۰۰ متن بود که بر اساس محورهای مطالعاتی از منابع مختلف استخراج شد. این فیش‌برداری در قالبی منسجم از نرم‌افزار اکسل، ثبت می‌شد تا بتوان از آن، خروجی‌های مختلف و دقیقی استخراج کرد.^{۱۲}

۱۲. این نرم‌افزار توسط جناب آقای علی انجم شعاع طراحی شد.

در این مرحله، پس از شناسایی یک‌سوم موضوعات، کاری تطبیقی برای واقعیت‌سنجی موضوعات به‌دست آمده با نیازهای حقیقی انجام شد تا اگر مسیر حرکت، اشکالاتی دارد، اصلاح شود. در این راه، از کارهای دیگران و استانداردها، بهره گرفته شده و یکبار، همه مسیر طی شده، مورد بازبینی قرار گرفت. این روش، موجب دقت فزون‌تر در ادامه مسیر شده و کار نهایی را از حیث روشمندی و هدفمندی، ارتقا بخشید.

۲. تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از شناسایی نیاز، نوبت به تجزیه و تحلیل اطلاعات رسید. برای این کار از روش توصیفی و پیمایشی استفاده شده و اقدامات زیر انجام گرفت:

۱/۲. تبدیل داده‌ها به عناوین

در این مرحله بر اساس داده‌ها، تولید مسأله شده و از هر مسأله، عنوان یا عنوان‌هایی به دست آمد.

۲/۲. پالایش و پردازش

در این مرحله، عنوان‌هایی که جنبه علمی نداشت - مثلاً خبری یا تبلیغاتی بود - و نیز عنوان‌های تکراری، حذف شد. سایر عنوان‌ها، مورد پردازش قرار گرفت. عنوان‌های به‌دست آمده کنونی که در کتاب به چشم می‌خورد، یا کاملاً نو است و تاکنون، پژوهشی درباره آن انجام نشده، یا نیازمند کار پژوهشی بیشتر و یا نیازمند کاری پژوهشی از زاویه‌ای دیگر.

۳/۲. طبقه‌بندی عناوین

دسته‌بندی عناوین بر اساس ساختار علمی کاربردی علوم و معارف حدیث که در ادامه مقاله، تبیین می‌شود، انجام شد.

۴/۲. نقد و ارزیابی

پس از انجام بخش‌های پیشین، نوبت به نقد و ارزیابی رسید. در این مرحله، ارزیابان رسمی و افتخاری طرح به بازبینی و نقد پژوهش انجام‌شده پرداختند. سپس جلسات حضوری برگزار شد تا تفاهم علمی لازم انجام شود. پس از آن، دیدگاه‌های باقی‌مانده، اعمال شده و پژوهش، اصلاح و تکمیل گردید.

۵/۲. اولویت‌بندی و امتیازدهی

یکی از مراحل مهم در طرح نیازسنجی، تشخیص و تعیین اولویت‌های پژوهشی است. هرچند روش این کار، «تخمین کارشناسان» و «گفت‌وگو» بوده؛ ولی پایه آن، پیمایش در مراکز علمی، مصاحبه، نظرسنجی از گروه‌های پنج‌گانه یادشده و تحلیل‌های آینده‌پژوهانه بود. به این منظور، دست‌اندرکاران طرح، طی بررسی‌های مشاهده‌ای در مراکز علمی مانند دارالحدیث، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، دانشگاه رضوی، دانشکده اصول دین، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، کتابخانه علامه مجلسی، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، بنیاد امامت، مرکز تخصصی مهدویت، مؤسسه مبین، مرکز تخصصی حدیث حوزه، پژوهشکده حدیث حوزه و ... پروژه‌ها و روش‌های کنونی این مراکز را تحلیل کرده و به نیازهای واقعی آن طی مصاحبه‌ها و گفت‌وگوها و با روش «توصیفی» و «تحلیل محتوا» دست یافتند. از این رو، اولویت‌های تعیین‌شده، بر پایه واقعیات برگرفته از مراکز علمی - حدیثی است.

برای امتیازدهی عنوان‌ها، از «روش اولویت‌دهی مبتنی بر معیار» استفاده شد.^{۱۳} ملاک‌های هفت‌گانه تعیین اولویت، عبارت بود از:

یکم. میزان فایده برای عموم مردم و جامعه

دوم. میزان فایده برای نظام اسلامی

سوم. میزان فوریت

چهارم. میزان ابتلا

پنجم. ابعاد ملی و بین‌المللی موضوع

ششم. امکان پژوهش

هفتم. میزان تأثیر در رشد و توسعه دانش مربوط

ابتدا برای هر معیار، طبق جدول ذیل امتیازی در نظر گرفته شد.

امتیاز	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
ضریب	۱	۲	۴	۶	۸

۱۳. برگرفته از کتاب راهنمای گام به گام نیازسنجی، ص ۷۴.

سپس فهرست موضوعات به همراه جدول امتیازدهی در قالب فایل اکسل به بیش از شصت کارشناس حدیثی ارسال گردید که نزدیک به سی نفر از اساتید و کارشناسان در اولویت‌گذاری، با این پروژه همکاری کردند.

پس از دریافت، فایل‌های اولویت‌گذاری‌شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و به‌وسیله نرم‌افزار اکسل، میانگین امتیاز هر کدام از نیازها به‌دست آمد. امتیاز هر کدام از عناوین، ذیل چهار گروه (الف، ب، ج، د) طبق جدول زیر اولویت‌بندی شد:

۸-۶	۶-۴	۴-۲	۲-۱	امتیاز
(خیلی زیاد)	(زیاد)	(متوسط)	(خیلی کم - کم)	
الف	ب	ج	د	اولویت

۶/۲. نظارت پایانی و نهایی‌سازی عناوین

پس از پایان پژوهش و تهیه عنوان‌ها و اولویت‌ها، نظارت دقیقی بر همه اجزای آن صورت گرفت. نقدهای حاصل از این نظارت پس از مباحثات علمی، اعمال شد و نتیجه نهایی کار به‌دست آمد.

ب) نظام موضوعات

با توجه به انبوه موضوعات به‌دست‌آمده، لازم بود که با در نظر گرفتن ملاک‌های منطقی، موضوعات، نظام‌مندی شده و در قالب یک سازمان پذیرفته‌شده، ساماندهی و اولویت‌دهی گردد. این کار در سه محور انجام شد که در این بخش، گزارش می‌شود.

یکم) طراحی شاخه‌ها و ویژگی‌های آن

دسته‌بندی دانش‌های حدیثی بر اساس دو ملاک «واقعیت موجود» و «کاربردی بودن» در برابر «نظری بودن» با در نظر گرفتن «پیشینه علمی»، «نیازهای آینده» و روش‌های دسته‌بندی دیگر، انجام شد.

۱. شاخه‌ها

این شاخه‌بندی، هندسه نهایی علوم و معارف حدیث را از نگاه نگارنده نشان نمی‌دهد بلکه هندسه‌ای کاربردی برای نیازسنجی پژوهشی بوده که نگارنده، طراحی کرده است. این هندسه، تنها هندسه ممکن و قابل ارائه در این راستا نیست؛ ولی ویژگی‌های دارد که موجب ترجیح آن شده است. شاخه‌های علوم و معارف حدیث در این پژوهش به شکل زیر است:

علوم حدیث	
<p>مبادی، مبانی و آسیب‌های فهم حدیث روش‌ها، قواعد و منبع‌شناسی فهم حدیث غریب الحدیث مشکل الحدیث اختلاف الحدیث</p>	فقه الحدیث
<p>فلسفه، قواعد، روش‌ها و منابع رجالی راوی‌شناسی سندشناسی جرح و تعدیل</p>	رجال
<p>هندسه، موضوع‌شناسی و ارتباط‌شناسی علوم و معارف حدیث فلسفه، ماهیت و حجیت حدیث آداب الحدیث، روش‌شناسی و منبع‌شناسی قواعد الحدیث</p>	قواعد الحدیث و درایه
<p>فلسفه و منبع‌شناسی تاریخ حدیث با گرایش معصومان <small>علیهم‌السلام</small> تاریخ حدیث با گرایش حکومت‌ها و حاکمان حوزه‌ها، مکاتب، مدارس و گروه‌های اثرگذار تاریخ علوم و معارف حدیث</p>	تاریخ حدیث
<p>منبع‌شناسی تطبیقی منبع‌شناسی موضوعی اعتبارسنجی و آسیب‌شناسی منابع و احادیث تخریج</p>	منبع‌شناسی و اعتبارسنجی
<p>مبانی و قواعد نسخه‌شناسی متون و بازسازی کتب نسخه، تصحیح و تحقیق‌شناسی تطبیقی</p>	نسخه‌شناسی، تصحیح متون و بازسازی کتب

معارف حدیث	
<p>مبانی و قواعد متن و منبع‌شناسی موضوع و ارتباط‌شناسی معارف موضوعی</p>	ادعیه، ادکار، زیارات و آداب

<p>مبانی، روش‌شناسی و منبع‌شناسی تاریخ و سیره‌پژوهی موضوعی</p>	<p>تاریخ و سیره اهل بیت، پیامبران و امامزادگان <small>علیهم‌السلام</small></p>
<p>روان‌شناسی علوم تربیتی و آموزشی علوم اجتماعی و فرهنگی هنر، زبان، ادبیات و منطق علوم اقتصادی علوم سیاسی علوم مدیریت و استراتژیک کیهان‌شناسی علوم پزشکی، بهداشت و محیط زیست علوم زیستی و کشاورزی علوم ارتباطات، تبلیغات و فن‌آوری اطلاعات علوم نظامی و امنیتی علوم پایه و مهندسی</p>	<p>حدیث و علوم</p>
<p>حدیث و علوم اسلامی</p>	
<p>مکاتب، گرایش‌ها و روش‌ها مبانی و قواعد تفسیر و مسائل علوم قرآن تاریخ تفسیر و قرآن و منبع‌شناسی زبان‌شناسی، ادبیات و قرائت تفسیر ترتیبی تفسیر غرر تفسیر گرایشی تفسیر موضوعی</p>	<p>حدیث، تفسیر و علوم قرآن</p>
<p>مبانی، مکاتب، گرایش‌ها، روش‌ها و منابع اخلاق و عرفان نظری اخلاق حرفه‌ای و کاربردی عرفان عملی</p>	<p>حدیث، اخلاق و عرفان</p>

فلسفه و تاریخ حکمت و کلام مبانی، مکاتب، گرایش‌ها، روش‌ها و منابع حکمت و کلام موضوعی	حدیث، حکمت و کلام
فلسفه و تاریخ مبانی، گرایش‌ها، روش‌ها و منابع اصول مأثور قواعد و مسائل فقه مأثور حقوق مأثور	اصول، فقه و حقوق مأثور

مطالعات تطبیقی	
مبادی، مبانی، گرایش‌ها، روش‌ها و منابع علوم حدیث معارف حدیث	اهل سنت و فرقه‌های غیر امامی
مبادی، مبانی، روش‌ها و منابع علوم و معارف تطبیقی	ادیان و مکاتب
مبادی، مبانی، روش‌ها و منابع مطالعات امامیه مطالعات غیر امامیه	مستشرقان

۲. شناخت شاخه‌ها و زیرمجموعه‌های آن

این شاخه‌بندی و به دنبال آن، سازمان‌دهی عنوان‌ها ذیل آن، دارای قوت‌ها، نکات و نیازمند توضیحاتی است که در ادامه می‌آید. در توضیح این دسته‌بندی از عنوان «شاخه» برای مقسم، عنوان «زیرشاخه» برای قسّم‌های زیرمجموعه مقسم، عنوان «شاخک» برای گروه‌های زیرمجموعه قسّم‌ها و عنوان «زیرشاخک» برای اجزای زیرمجموعه «شاخک» استفاده شده است.

۱/۲. علوم حدیث

نخستین شاخه از این درخت، شامل دانش‌هایی است که در دست‌یابی، ارزیابی، فهم، ارتباط-شناسی و بهره‌شناسی حدیث، نقش دارد. این شاخه، همه گزاره‌های مربوط به صدور، انتقال، چگونگی فهم، بهره‌ها و روابط حدیث را در خود جای می‌دهد. ترتیب قرارگیری زیرشاخه‌ها بر پایه آثار موجود در هر زیرشاخه است. در حقیقت، این ترتیب، نشان‌دهنده، حجم آثار تولیدشده در هر زیرشاخه اعم

از کتاب، مقاله و ... در طول تاریخ است. در این شاخه به «قواعد الحدیث»، «اعتبارسنجی» و «نسخه‌شناسی، تصحیح متون و بازسازی کتب» توجهی ویژه شد. این توجه بر پایه لزوم کار بیشتر در این عرصه‌هاست.

۱/۱/۲. فقه الحدیث

از زیرشاخه‌های علوم حدیث بوده و دانشی است که مقدمات، مبانی و قواعد فهم حدیث را مطرح می‌کند. همچنین در این دانش از گرایش‌ها و روش‌های فهم حدیث و موانع و آسیب‌های آن سخن می‌گویند. مأموریت فقه الحدیث، در اختیارنهادن همه زمینه‌های فهم حدیث و کنارزدن همه موانع علمی است.

در زیرشاخه «فقه الحدیث» برای نخستین بار به تفکیک «مشکل الحدیث» از «غریب الحدیث» و «مختلف الحدیث» مبادرت شده و موضوعات زیرمجموعه هر یک از این‌ها، به صورت جداگانه آمده است. نکته قابل ذکر در این عرصه، جداسازی واژه‌شناسی‌ها و مفهوم‌شناسی‌های موضوعی از واژه‌شناسی‌ها و مفهوم‌شناسی‌های عام است. موضوعی‌ها در زیرشاخه‌های تخصصی خود آمده و عمومی‌ها در قالب شاخک‌های «غریب الحدیث» یا «مشکل الحدیث» قرار گرفته است. در عنوان‌های این زیرشاخه به نقش مخاطبان در فهم حدیث، توجه بسیار شده است. این توجه بر اساس اشاره معصومان علیهم‌السلام، واقعیت‌های موجود در صدور حدیث و نیز با هدف پرداختن به دانش «هرمنوتیک» و «سمانتیک» و بومی‌سازی آن در دانش حدیث صورت گرفته است.

موضوع «خانواده حدیث» نیز از بخش‌های قابل توجه در عنوان‌های این زیرشاخه است. این موضوع از گذشته در شیعه مطرح بوده و روایات منابع حدیثی بر اساس آن دسته‌بندی شده‌اند. امروزه پرداختن به این موضوع با بهره‌گیری از ابزار رایانه، شکلی نو به خود گرفته و با جامعیتی دوچندان در گردآوری مشابهاًت روبه‌رو شده است؛ امری که نیازمند پرداختن مجدد برای بازسازی و تقویت زیرساخت‌ها و روش‌هاست.

۲/۱/۲. رجال

دانشی برای سنجش اعتبار رسانندگان حدیث یا همان راویان است. این دانش از قواعدی به‌عنوان پشتوانه بهره گرفته و تکتک راویان و اسناد حدیثی را به بحث می‌گذارد. در زیرشاخه رجال، تلاش شده تا نگاه‌های نو به این دانش، دیده شود.

«اجتهاد در رجال» و بازنگاری جایگاه این دانش در مجموعه علوم و معارف حدیث به عنوان راهی در سنجش اعتبار حدیث، زیربنای بسیاری از عناوین این بخش قرار گرفته است.

گاهی در دسته‌بندی‌های کنونی دانش رجال، شاخکی با عنوان «قواعد و فوائد» دیده می‌شود. مراد از قواعد رجالی، مباحثی است که در سراسر این دانش یا بخش‌هایی از آن کاربرد دارد. در برابر، فوائد رجالی به بحث‌هایی گفته می‌شود که تنها در بخشی کوچک یا کتابی خاص، دارای کاربرد است. در جدول‌های کتاب، قواعد رجالی، همراه با فلسفه رجال دسته‌بندی شده و فوائد نیز همان روش‌شناسی است. در حقیقت «قواعد و فوائد رجالی» در کنار هم و با شکلی جدید و هم‌سان با سایر دانش‌های حدیثی به همراه «فلسفه رجال» آمده است. جایگزینی عنوان «روش‌شناسی» به جای فوائد، کاری نو در راستای روشن‌سازی مفاهیم و هم‌سان‌سازی مصطلحات است.

۳/۱/۲. قواعد الحدیث و درایه

این زیرشاخه به مباحثی که در سراسر دانش‌های حدیثی، کاربرد داشته و به‌گونه‌ای، مبانی کلی این دانش‌ها را شکل می‌دهد، پرداخته است. مبانی هر دانش حدیثی در زیرشاخه مربوط به خودش، بررسی می‌شود ولی مبانی مرتبط با همه دانش‌ها در این زیرشاخه به بحث گذاشته می‌شود. عنوان «قواعد الحدیث» کاربردی دیرینه در شیعه و اهل سنت دارد که در قرون پسین از آن با عنوان «درایه» یاد می‌شود. در حقیقت، درایه، شناخت مصطلحات نیست؛ زیرا مصطلح‌شناسی، دانشی مستقل محسوب نشده و تنها، نمایه‌ای از علوم حدیث است؛ بلکه درایه، همان قواعد الحدیث مصطلح قدماست.

در این زیرشاخه نوآوری‌های بسیاری صورت گرفته است. «هندسه علوم و معارف حدیث» به عنوان یکی از زیرساخت‌های لازم در تولید دانش‌های حدیثی در این زیرشاخه طراحی شده است. این شاخک، توان بازپردازی دانش حدیث و تولید و گسترش آن را با شناسایی رابطه اجزای علوم و معارف حدیث با یکدیگر، فراهم می‌کند.

«ارتباط‌شناسی حدیث» از عرصه‌های پژوهشی بنیادین در این زیرشاخه است که هنوز، نگاه‌های شایسته‌ای ندارد. شناخت رابطه علوم و معارف حدیث با دانش‌های دیگر، زمینه تولید دانش‌های میان‌رشته‌ای را فراهم می‌کند. در حقیقت، این شاخک، توان پاسخ‌گویی به بسیاری از پرسش‌های کنونی و توقعات از دانش حدیث را داراست. در ارتباط میان دانش حدیث و دیگر دانش‌ها، عنوان «گزاره‌شناسی» به صورت پرشمار، تکرار شده است. بهره‌گیری از این عنوان در جایی بوده که هنوز، همه یا بیشتر گزاره‌های حدیثی مرتبط با آن دانش، شناسایی نشده باشد. پس از شناسایی

گزاره‌های مرتبط، نوبت به دسته‌بندی، پژوهش‌های میدانی و تطبیقی و قاعده‌سازی می‌رسد. در حقیقت، پرشماری این عنوان‌ها نشان‌دهنده حجم کار بر زمین مانده و نیاز موجود در این زمینه است.

از نوپردازی‌های دیگر در این زیرشاخه، توجه به «موضوع‌شناسی حدیث» است. موضوع‌شناسی حدیث، راهی را برای بهره‌برداری فزون‌تر از این نعمت معصومانه نشان می‌دهد. با شناخت همه موضوعات یک متن حدیثی، می‌توان زمینه را برای گسترده‌سازی گزاره‌های برگرفته از حدیث و تولید قواعد حدیث‌پایه در زمینه‌های مختلف فراهم کرد.

در «فلسفه، ماهیت و حجیت حدیث»، نگاه‌های نویی مورد توجه قرار گرفته که بازپردازی مفاهیم نخستینی چون «قطع» و «ظن»، از الزامات آن است. «آداب الحدیث» شاخکی فراموش شده در دانش حدیث است که کتاب «اولویت‌های پژوهشی علوم و معارف حدیث» در صدد احیای آن برآمده و با شناسایی و عرضه عنوان‌های مختلف، بار دیگر این ماده مهم را در پیش چشم قرار می‌دهد. «روش‌شناسی» شاخکی است که به روش‌های عمومی در علوم و معارف حدیث می‌پردازد. روش‌های تخصصی هر زیرشاخه در حیطه خودش قرار گرفته و روش‌های عمومی حدیثی در این زیرشاخه و ذیل این شاخک آمده است.

۴/۱/۲. تاریخ حدیث

به سیر صدور و انتقال حدیث می‌پردازد و آن را در قالبی زمان‌محور و مکان‌محور به بحث می‌گذارد. در این زیرشاخه، دو گرایش مهم از تاریخ حدیث، مشمول توجهی ویژه شده؛ چراکه بیشترین نقش را در تاریخ‌سازی حدیثی داشته است.

در این زیرشاخه، «حوزه‌ها، مکاتب، مدارس و گروه‌های اثرگذار» حدیثی پردازشی درخور یافته‌اند تا محتواهای پرشماری در «جریان‌شناسی حدیثی» به دست آید. این عنوان در تمثیل، همانند ممیزی دانش حدیث و رابطه آن با نیازسنجی این دانش است که در ممیزی، کارهای گذشته و موجود، شناسایی می‌شود تا زمینه برای نیازسنجی و کارهای آینده فراهم گردد. با جریان‌شناسی حدیثی هم همه رویدادهای گذشته و کنونی، گردآوری و تحلیل شده و سیر نموداری رشد و افول فعالیت‌های حدیثی روشن می‌شود. این تحلیل، زمینه را برای برنامه‌ریزی و مدیریت دانش حدیث فراهم کرده و منطلق سیر حدیث را از گذشته تا آینده، در اختیار می‌نهد. «حوزه‌های حدیثی» که به مناطق پرکار و صاحب روش، اطلاق می‌شود، پرداختی شایسته در میان عنوان‌ها یافته و بخشی از جورچین «جریان‌شناسی» را می‌سازد. «مکاتب حدیثی» که به اندیشه‌های مبنایی خاص اشاره دارد، مورد توجه قرار گرفته است. «مدارس حدیثی» از قمرهای مکاتب و حوزه‌هاست و به‌جایی گفته

می‌شود که صاحبان اندیشه‌ای خاص در حدیث حضور ندارند، بلکه پردازشگران اندیشه‌های دیگران، فعال بوده و با یکی از حوزه‌های حدیثی، رابطه قَمَری دارند. «گروه‌های اثرگذار» کسانی‌اند که اندیشه آن‌ها به اندازه یک مکتب، رواج نیافته، اما شایسته توجه است. این گروه‌ها بر فعالیت‌های حدیثی اثرگذار بوده‌اند ولی یا دارای ساختاری منسجم در ارتباط با یکدیگر نبوده، یا آثار پرشماری از آنها باقی نمانده و یا اندیشه آن‌ها مورد توجه بسیار، قرار نگرفته است. همه این زیرشاخک‌ها، عنوان «جریان‌شناسی حدیثی» را شکل می‌دهد؛ کاری که به بررسی تولد، رشد و دوران‌های گوناگون حدیث پرداخته و سیر تطوّر حدیث، از آغاز تا کنون را تحلیل می‌کند. در حقیقت، تاریخ حدیث با مأموریتِ جریان‌شناسی، خواننده و پرداخته می‌شود.

۵/۱/۲. منبع‌شناسی و اعتبارسنجی

زیرشاخه‌ای دیگر است که به شناخت توصیفی و تحلیلی منابع حدیثی و میزان اعتبار آن‌ها از جهات مختلف می‌پردازد. عِلّت همراهی اعتبارسنجی با منبع‌شناسی، نگاه ویژه‌ای است که این پژوهش، می‌خواهد آن را گسترش دهد.

«منبع» در این زیرشاخه به معنای نگاه‌شسته‌های نخستین حدیثی و یا کتاب‌هایی است که احادیث معصومان علیهم‌السلام برای نخستین بار در آنها آمده و اکنون وجود دارد. همچنین کتاب‌هایی که به ترکیب و تدوین بخش بزرگی از این نگاه‌شسته‌ها دست زده و اکنون به‌عنوان کتاب‌های واسطه شناخته می‌شوند، در دایره «منبع» قرار می‌گیرند.^{۱۴} بر این اساس، هر نوع منبع‌شناسی، کاربرد اعتبارسنجی دارد. در حقیقت، منبع‌شناسی بدون توجه به نتیجه آن، بهره‌ای نخواهد داشت. مهم‌ترین نتیجه منبع‌شناسی، اعتبارسنجی منابع و یادگیری راه بهره‌برداری از هر منبع است.

اعتبارسنجی، همراه با آسیب‌شناسی، مورد توجه قرار گرفته و چگونگی بهره‌برداری از منبع در قالب «منبع‌شناسی موضوعی» مطرح شده است. عِلّت آوردن آسیب‌های حدیثی به همراه اعتبارسنجی، آن است که اگر در یک دسته‌بندی، عرصه فعالیت‌های حدیثی به سه قسمت صدور، انتقال و فهم، تقسیم شود، دوسوم این عرصه، در قالب، منابع ظاهر شده و از یک‌سوم باقی‌مانده نیز بخش مهمی از آسیب‌هایش به متن حدیث و موضوع‌شناسی آن در منبع، بر می‌گردد. از این رو می‌توان چیزی حدود هشتاد درصد آسیب‌ها را با منابع، مرتبط دانست.

۱۴. ن. کد مقاله «معیار شناسایی منابع حدیث و جایگاه آن در استناد و تخریب».

در این زیرشاخه، دانش‌های نوینی چون «اعتبارسنجی منابع حدیثی» و «تخریج» مورد توجه قرار گرفته است. این دانش‌ها، بابت تازه را در علوم حدیث گشوده و در بهره‌برداری از منابع و احادیث، نگاهی تازه را که با نگاه قدمای صاحب‌قراین حدیثی بسیار، نزدیک است، حاکم می‌گرداند.

در شاخک «منبع‌شناسی تطبیقی» کتاب‌هایی که بیش از یک موضوع داشته و در موضوعی خاص نمی‌گنجد، بررسی می‌شود. «منبع‌شناسی موضوعی» به گونه‌ای خاص از منبع‌شناسی‌ها می‌پردازد. در این شاخک، منابع مرتبط با - مثلاً - فقه الحدیث یا «حدیث، تفسیر و علوم قرآن» بررسی نمی‌شود بلکه این منابع در زیرشاخه‌های تخصصی خود، به بحث، گذارده می‌شود. در این شاخک، تنها، موضوعات مربوط به «سبک‌شناسی» و «رویکردشناسی» هایی که نمونه‌ها، مصادیق یا منابع متعددی دارد، بررسی می‌شود.

۶/۱/۲. نسخه‌شناسی، تصحیح متون و بازسازی کتب

این زیرشاخه، امکان ادغام با «منبع‌شناسی و اعتبارسنجی» را داشت؛ ولی از آن‌جا که در این زیرشاخه از دانش حدیث، کارهای بسیار کمی صورت گرفته، فعالیت‌های جهشی مورد نیاز است. مطرح‌شدن مستقل این عنوان می‌تواند رغبت به کار در این عرصه را افزون کند.

«نسخه‌شناسی» دانشی است که قواعد کشف، شناخت، توصیف و تحلیل نسخه خطی را مطرح می‌کند. «تصحیح متون» نیز قواعدی ویژه خود دارد که برخی از آنها برگرفته از دانش اصول بوده و یا با آن هم‌پوشان است. در تصحیح متون از قواعد شناخت متن درست از نادرست و چگونگی ترجیح یک روایت از میان چند روایت یک متن و یا اصلاح تک‌روایت موجود از یک متن بر اساس قرائن، سخن به میان می‌آید. «بازسازی کتب» نیز روشی برای احیای کتاب‌های گم‌شده و یا نابودشده است. این روش، دارای قواعدی است تا استانداردهای لازم را تأمین نماید. قواعد تصحیح و تحقیق کتاب‌های پیشین نیز در این زیرشاخه، قرار می‌گیرد. اکنون تحقیق و تصحیح کتاب‌های پیشین، وضعیت مناسبی ندارد. افراد مختلفی با میزان دانش اندک یا ناشناخته در کنار بزرگانی صاحب علم و مهارت، وارد عرصه تصحیح و تحقیق منابع شده‌اند و این چالش، شناخت درست از نادرست را مشکل کرده و صحیح و سقیم را در آینده تاریخی این منابع، مخلوط می‌کند. از این رو کشف و ارائه ضابطه‌های منطقی و هدفمند در این عرصه، ضروری است.

۲/۲. معارف حدیث

هرچند معارف حدیث، در تعریف رسمی خود به «گزاره‌های حدیثی در موضوعات مختلف مورد نیاز انسان» گفته می‌شود ولی در این جدول برای رعایت حجم زیرشاخه‌ها و عنوان‌ها به دو شاخه

تقسیم شده و شاخه نخست با عنوان «معارف حدیث» و شاخه دوم با عنوان «حدیث و علوم اسلامی» آمده است. «معارف حدیث» در این درخت به معنای دانش‌های گزاره‌ای برگرفته از حدیث است که به‌عنوان علوم اسلامی مرسوم، شناخته نشده و یا پشتوانه علوم اسلامی مرسوم است. از این رو زیرشاخه «حدیث و علوم» که شاخک‌های آن از علوم اسلامی مرسوم نبوده، ذیل این شاخه قرار گرفته است. همچنین «ادعیه، اذکار، زیارات و آداب» که هنوز به دانشی مرسوم در علوم اسلامی تبدیل نشده و «تاریخ و سیره اهل بیت، پیامبران و امامزادگان علیهم‌السلام» که پشتوانه علوم اسلامی بوده و در اعتبارسنجی گزاره‌های آن نقش دارد در این بخش آمده است. دانش‌های گزاره‌ای در برابر دانش‌های پیرامونی و مقدماتی و دانش‌های تطبیقی قرار دارد. مراد این است که دانش‌های مزبور، شامل گزاره‌هایی برگرفته از حدیث هستند.

۱/۲/۲. ادعیه، اذکار، زیارات و آداب

این حوزه از معارف حدیث، در روزگار کنونی، دچار نگاهی تبرکی شده و علوم فراوان درون و پیرامون آن فراموش شده است. قدمای شیعه به این زیرشاخه، توجه بیشتری می‌کردند. اکنون، احیای این موضوع و دانش‌های مرتبط با آن مورد نیاز است. مستقل کردن این موضوع از زیرشاخه‌های دیگر، باهدف توجه بیشتر به آن انجام شد.

در این زیرشاخه «موضوع و ارتباط‌شناسی» عرصه‌ای بنیادین را می‌سازد. با اجرای این پروژه در متون دعا، ذکر، زیارت و ادب، می‌توان کاربردهای بسیار این متون را شناسایی و عرضه کرد. شاخک آداب در این زیرشاخه مورد توجه خاص واقع شده است.

«آداب» روش برخورد با هر چیزی را گویند. اینکه خالق انسان، چه راهی را برای برخورد با هر چیزی، قرار داده، موضوعی مهم است که در عصر کنونی نیازی دوجندان به آن داریم. سبک زندگی اسلامی، ذیل همین موضوع قرار می‌گیرد. مقابله با تهاجم فرهنگی، مصاف با هجمه‌های روانی و جنگیدن در میدان جنگ روانی، نیازمند بهره‌گیری از این شاخک است. شاید بتوان تفاوت «آداب» با «اخلاق» را در میزان «اختیاری بودن» مصادیق آن دانست. اخلاق درباره موضوعاتی به کار می‌رود که هرچند رفتار در آن، می‌تواند اختیاری باشد ولی ریشه‌ای از اجبار را در خود دارد مانند «سالمندشدن» که در اختیار انسان نیست ولی این‌که سالمند در سنین سالمندی، چه و چگونه رفتار کند، در اختیار خود اوست؛ بنابراین موضوع «اخلاق سالمندی» مطرح می‌شود. در برابر، «آداب» به اموری می‌پردازد که ریشه آن نیز در اختیار انسان است؛ مانند «موذن شدن» که کسی می‌تواند موذن بشود یا نشود؛ بنابراین با موضوع «آداب اذان‌گویی» مواجهیم. تفاوت دیگر این دو عرصه به

«شرعی بودن» یا «عقلی بودن» آن بازمی‌گردد. «آداب» در دایره شرع تعریف می‌شود و اگر شارع به بیان آن نپردازد، شاید بشر نتواند و یا به‌سختی بتواند همه یا بخش بزرگی از آن را کشف کند. در برابر، اخلاق، امری عُرفی و عقلی است که در چارچوب‌های شرعی قرار می‌گیرد؛ یعنی عقل بدون دخالت شرع، فهمی نسبت به رفتاری خاص که پایه آن سرشت انسان است، دارد و این رفتار در حیطه اخلاق، جای می‌گیرد. در قدم پسین، عقل، این رفتار را با کلیات شرعی، تطبیق می‌دهد. تفاوت دیگر این دو عنوان، به «جوارحی بودن» و «جوانحی بودن» برمی‌گردد. اخلاق، ریشه جوانحی دارد و آداب از جوارح انسان، پدید می‌آید. شاید در دانش اخلاق معاصر، چنین تفکیکی وجود نداشته باشد ولی در علوم اسلامی از گذشته، چنین تفکیکی وجود داشته است؛ لذا موضوعاتی مانند «چگونگی غذاخوردن» در حیطه آداب قرار گرفته و به فقه ملحق می‌شدند و «صداقت» در حیطه اخلاق قرار می‌گرفت.

شاخک «معارف موضوعی» به بررسی موضوعات مختلف در محتوای دعاها، ذکرها، زیارت‌ها و آداب پرداخته است. در این شاخک، عنوان‌های پژوهشی مرتبط با «تبلیغ»، برجسته شده است. تبلیغ، سنتی دیرینه در حوزه‌ها بوده و جزو وظایف ذاتی روحانیان به حساب می‌آید. امروزه این تکلیف، نیازمند بازنگری و بازسازی مبانی و روش‌هاست. دانش حدیث می‌تواند بیشترین کمک را به زیرساخت‌های علمی «تبلیغ» بکند. موضوع «آداب العلم» نیز به‌عنوان مواد قدیمی مورد توجه شیعه که امروزه کمتر به آن پرداخته می‌شود، پردازشی درخور یافته است.

۲/۲/۲. تاریخ و سیره اهل بیت، پیامبران و امامزادگان علیهم‌السلام

این زیرشاخه به همه گزارش‌های مرتبط با زندگی اهل بیت، پیامبران و امامزادگان علیهم‌السلام پرداخته و توصیف‌ها و تحلیل‌های موجود از رفتار ایشان را بررسی می‌کند. زیرشاخه حاضر، می‌توانست در زیرشاخه‌های دیگری ادغام شود؛ ولی از آنجا که در روش سیره‌نگاری، نیاز به تحوُّلی جدی و حرکت از سبک قصه‌گویی به سبک قاعده‌سازی احساس می‌شود، شایسته است که عنوانی مستقل یابد تا مورد توجه بیشتری واقع گردد. دانش تاریخ عام یا علم تاریخ، هم‌اکنون با روش‌ها و ابزار متعددی، کار می‌کند که حوزه سیره‌نگاری و یا تاریخ‌نگاری معصومان علیهم‌السلام، از این وادی، دور است. همچنین قواعد دانش تاریخ، از سویی نیازمند بومی‌سازی در سیره‌نگاری بوده و از سوی دیگر، کشف قواعد بومی این عرصه، ضرورت دارد. علمی‌شدن بهره‌گیری از سیره معصومان علیهم‌السلام، نیازمند کاری ویژه و پُرکمیّت است. امامزادگان نیز به دلیل جایگاه ویژه‌ای که در فرهنگ شیعی دارند، پس از معصومان علیهم‌السلام، ذکر شده‌اند.

این زیرشاخه به دانش‌های بشری‌ای می‌پردازد که در حدیث، دارای مبانی، گزاره‌ها و قواعدی هستند. در این زیرشاخه، همه دانش‌های بشری که رشته دانشگاهی در داخل کشور دارند، لحاظ شد. به عبارت دیگر، حدود ۸۰۰ رشته و گرایش دانشگاهی موجود در کشور، مطالعه و بررسی شد. برخی از حوزه‌ها و رشته‌ها با یکدیگر ادغام شده تا از حیث حجم موضوعات و یا حجم گزاره‌های حدیثی، چندان کمتر از حوزه‌ها و رشته‌های دیگر نباشد. حجم موضوعات در این زیرشاخه، نشان‌دهنده ظرفیت بالای کار در این حوزه است. تمدن‌سازی اسلامی، متوقف بر شناخت گزاره‌هایی است که می‌تواند یاری‌گر دانش‌های بشری و یا جهت‌دهنده آن باشد.

۳/۲. حدیث و علوم اسلامی

منظور، دانش‌هایی است که در طول تاریخ بر پایه قرآن و حدیث، شکل گرفته و مبانی، ساختار و بسیاری از گزاره‌های آن برگرفته از آیات و روایات است. این دانش‌ها اکنون به‌عنوان علوم اسلامی مرسوم شناخته شده و در بین دانش‌های منسوب به دین، بهره بیشتری از آیات و روایات می‌گیرد.

۱/۳/۲. حدیث، تفسیر و علوم قرآن

در این زیرشاخه، همه مباحث مربوط به مبانی، مکاتب، گرایش‌ها، روش‌ها و قواعد تفسیر و علوم قرآنی با نگاه نص‌پژوهی و حدیث‌محور مطرح می‌شود. هم‌اکنون علوم تفسیر و علوم قرآن با فاصله‌ای قابل توجه از حدیث، مورد پردازش قرار گرفته و کمتر به متون احادیث در قاعده‌سازی تفسیری و مطالب علوم قرآنی توجه شده است. کتاب «اولویت‌های پژوهشی علوم و معارف حدیث» در صدد است با ارائه موضوعاتی حدیث‌پایه، این فاصله را کم کند.

در این زیرشاخه «زبان‌شناسی، ادبیات و قرائت» قرآن کریم با نگاه حدیثی، مورد توجه قرار گرفته و موضوعاتی نو را سامان داده است. همچنین گونه‌های مختلف تفسیر به‌صورت جداگانه، پردازش شده که تازگی دارد.

۲/۳/۲. حدیث، اخلاق و عرفان

این زیرشاخه، گزاره‌های حدیثی در حوزه اخلاق و عرفان را بررسی کرده و تلاش می‌کند تا فضای این موضوع را به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نزدیک کند. دانش اخلاق و نیز دانش عرفان به میزانی،

متأثر از فضای صوفیانه، غیر شیعی و حتی غربی و شرقی، شده‌اند. ارشادات معصومان علیهم‌السلام در موضوع اخلاق و عرفان، یاری‌گر عقل بوده و راه را روشن‌تر می‌کند.

ترکیب اخلاق و عرفان بر پایه ضرورت نگاه واحد به این دو موضوع، بوده است. اساس عرفان، اخلاق است و جدایی عامدانه و قصدشده این دو از یکدیگر، انحرافی را رقم زده که نتیجه آن شکل‌گیری فرقه‌های مختلف است؛ هرچند تفکیک اعتباری این دو موضوع از یکدیگر، اشکالی نداشته و خطرآفرین نیست.

۳/۳/۲. حدیث، حکمت و کلام

این زیرشاخه، گزاره‌های حدیثی مرتبط با فلسفه، حکمت، عقاید و کلام را به بحث می‌گذارد. هنوز فلسفه مسلمانان، رنگ و بوی قرآنی و حدیثی نیافته و آمیختگی بسیاری با فلسفه یونان دارد. هرچند فلسفه یونان، دارای گزاره‌هایی پربهره است که اندیشمندان اسلامی آن را پرورده‌اند؛ ولی بازسازی فلسفه اسلامی با بهره‌گیری از منابع اصیل یعنی قرآن و حدیث، موجب رشد و گسترش فلسفه و کاهش خطای آن خواهد شد.

«حکمت» نیز به‌عنوان موضوعی فراتر از فلسفه و پردازشگر معارف «کوتاه» از حیث کمی و «بلند» از حیث بازه عمل و «جامع» از حیث توجه به ابعاد مختلف، در احادیث، جایگاه ویژه‌ای دارد. افزون بر آنکه در سخن معصومان علیهم‌السلام، گزاره‌های حکیمانه بسیاری مشاهده می‌شود. دانش حکمت نیز با نظر به روایات، قابل ساخت و ساماندهی است.

«عقاید» به‌عنوان اموری که بایستگی پابندی در فکر و قلب را داشته و پشتوانه رفتارهای انسان است، حجم قابل توجهی را در احادیث، به خود اختصاص داده است. «کلام» به‌عنوان دانش گفت‌وگو، مناظره، مباحثه و اقناع، همواره زیرمجموعه عقاید، مورد توجه قرار می‌گیرد؛ شاید از آن رو که بیشترین حجم مباحثات و جدال‌ها در حوزه عقاید، واقع می‌شود. حکمت و کلام، عنوانی است که نماد چهار موضوع یعنی «فلسفه»، «حکمت»، «عقاید» و «کلام» قرار گرفته است.

۴/۳/۲. اصول، فقه و حقوق مأثور

دانش اصول در شیعه برای فهم بهتر حدیث، بنیان‌گذاری شد. قواعد این دانش با بهره‌گیری از روایات، سیره و عقل، در گذر زمان، تهیّه و تدوین شده است. امروزه با بهره‌گیری از رایانه، می‌توان روایات فراوانی را در دانش اصول مورد بحث قرار داد و بر غنای این علم، افزود. قواعد مأثور فقهی نیز با بهره‌گیری از روش‌ها و امکانات کنونی، زمینه گسترش بیشتری داشته و می‌تواند عرصه‌های نوین فقه را سامان بخشد.

۴/۲. مطالعات تطبیقی

این شاخه به موادی پرداخته که نشان‌دهنده مطالعات شیعیان نسبت به مذاهب، مکاتب و ادیان دیگر است. در حقیقت، مطالعات تطبیقی، تنها، کاری مقایسه‌ای نیست بلکه مجموعه مطالعاتی را شامل می‌شود که شیعه، نسبت به ادیان، مکاتب و مذاهب دیگر انجام می‌دهد و چون مطالعه‌کننده، خودبه‌خود با مبانی شیعی به مطالعه می‌پردازد، نوعی تطبیق روشن یا غیر روشن در آن وجود دارد. در این شاخه، مراد از «مستشرقان»، همه غیر مسلمانانی است که در شرق و غرب به اسلام‌شناسی و پژوهش‌های مرتبط با آن روی آورده و اندیشه‌های خود را ابراز کرده‌اند.

۱/۴/۲. اهل سنت و فرقه‌های غیر امامی

این زیرشاخه به مطالعات درباره اهل سنت و فرقه‌های آن و نیز فرقه‌های منحرف شیعی مانند اسماعیلیه می‌پردازد. برای کشف موضوعات مورد نیاز در این عرصه، سایت دانشگاه‌های بزرگ اهل سنت مانند الازهر، ام القری، ملک عبد العزیز، زیتونه، دمشق، مسقط و ... بررسی شده و آثار پرشماری از این مراکز و نیز مراکز علمی دیگری همچون دار الحدیث الحسینیة مغرب و المكتبة الوقفیة عربستان مورد مطالعه قرار گرفت. شاخک «علوم حدیث» در این زیرشاخه به موضوعات موجود در عنوان «علوم حدیث» جدول پیشین توجه کرده و شاخک «معارف حدیث» به موضوعات موجود در عنوان «معارف حدیث» و «حدیث و علوم اسلامی» همین جدول اشاره دارد.

۲/۴/۲. ادیان و مکاتب

این زیرشاخه به مطالعات مرتبط با ادیان الهی مانند مسیحیت و یهودیت و مکاتب بشری همانند مکاتب خودساخته غربی و شرقی می‌پردازد.

۳/۴/۲. مستشرقان

این زیرشاخه به بررسی و نقد فعالیت‌های غربیان و شرقیان در حوزه حدیث، پرداخته و برای مواجهه با این آثار، مبانی و روش‌هایی را ارائه می‌کند. برای دستیابی به نیازهای این عرصه، فعالیت‌های اسلام‌پژوهان غربی و شرقی به صورت گسترده مورد بررسی قرار گرفت و در دو بخش امامیه و غیر امامیه، تفکیک شد.

دوم) ساماندهی و سازماندهی

ساماندهی عنوان‌های پژوهشی و سازماندهی آن ذیل زیرشاخه‌های اختصاصی، مرحله‌ای دیگر از کار بود. درباره این گام، ارائه توضیحاتی، ضروری است.

۱. چگونگی افزایش عنوان‌ها و بهره‌گیری از آن

عنوان‌های ارائه‌شده، نمونه‌ای از موضوعات پژوهشی نیازمند کار است. می‌توان با روشی که در این پژوهش، پیموده شد، هزاران عنوان دیگر اضافه کرد؛ مثلاً در اعتبارسنجی منابع، می‌توان به تعداد منابع حدیثی موجود، عنوان پژوهشی نوشت؛ اما در عرصه‌هایی از این قبیل، تنها نمونه‌هایی از عناوین مورد نیاز، ذکر شده تا بتوان به‌عنوان‌های بیشتری اشاره کرد و محدودیت زمان و فضای نشر، موجب از دست‌رفتن عنوان‌های ضروری نشود. در برابر، عنوان‌های برخی از موضوعات، می‌توانست به‌صورت نمونه‌ای بیاید، ولی به‌طور تفصیلی آمده است. چنین عنوان‌هایی نیازمند توجه و پردازش بیشتر در فضای علمی و پژوهشی است مانند برخی از موضوعات در عنوان آداب.

۲. زاویه نگاه به موضوعات

برخی از موضوعات را می‌توان از چشم‌اندازهای متفاوتی نگریست. از همین رو ممکن است عنوانی ذیل یک زیرشاخه آمده، درحالی‌که مخاطب، بتواند آن را در زیرشاخه‌ای دیگر هم بیابد. امکان تعدد جانمایی عناوین به جهت امکان تعدد نگاه به هر عنوان است. در این راستا با بررسی‌های انجام‌گرفته، زیرشاخه‌ای برگزیده شده که نیازمندی بیشتری به موضوع یادشده دارد.

برخی از موضوعات، در دو زیرشاخه آمده است؛ مانند «تعامل با مذاهب». این کار به معنای امکان و ضرورت نگاه به موضوع از زاویه‌های مختلف است.

گاهی با قراردادن عنوان در شاخه‌ای خاص، هدف انتقال پیام خاصی به مخاطب دنبال می‌شود؛ مثلاً موضوع «پلورالیسم» را می‌توان در «علوم و معارف تطبیقی» آورد یا در «مبادی و مبانی» زیرشاخه «ادیان و مکاتب»؛ ولی در مبادی و مبانی آمده تا اشاره شود که این اندیشه، ریشه‌ای در ادیان راستین پیشین هم ندارد.

برخی از موضوعات، به‌خودی‌خود، نو نیستند؛ ولی در زیرشاخه یا شاخکی قرار گرفته‌اند که زاویه‌ای نو از نگاه را برمی‌تابد و از این رو، دارای نوآوری است؛ مانند موضوع «تفتیش عقاید» که در حوزه کلام، نو نیست ولی در حوزه تاریخ و سیره، قابل نوپردازی است.

۳. توجه به نیازهای جامعه

برای برخی از موضوعات، عناوین پژوهشی بسیاری ذکر شده است؛ مانند «علوم اجتماعی و فرهنگی». این کار با در نظر گرفتن نیازهای جامعه و آسیب‌های موجود، بوده است. همچنین حجم بالای موضوعات در مبادی و مبانی هر زیرشاخه، نشان‌دهنده آن است که مسیری طولانی برای تولیدات پژوهشی حدیثی، در پیش است.

برخی از موضوعات در قالب‌های مختلفی قابل پژوهش است که متناسب با نیاز و وضعیت موجود، یکی از قالب‌ها پیشنهاد شده است. این پیشنهاد به معنی امکان نداشتن پژوهش در قالبی دیگر نیست.

برخی از موضوعات، دارای پژوهش‌های مشابه کار شده است؛ ولی در اینجا با قیودی آمده تا نیاز دیگری را تأمین کند. همچنین برخی از پژوهش‌های انجام یافته، قدیمی بوده و نیازمند تکرار است.

۴. ادغام برخی از قسمت‌ها

برخی از زیرشاخک‌ها، شاخک‌ها و زیرشاخه‌ها در مقام ساماندهی عناوین، با یکدیگر ادغام شدند. این رده‌ها از حیث کمیّت با بقیه موضوعات، همسان نبودند. از این رو برای نزدیک شدن حجم کمی رده‌ها به یکدیگر، موضوعات مشابه و کم‌عنوان با یکدیگر ادغام شدند؛ مانند «مبادی و مبانی تاریخ حدیث» که در قالب «فلسفه تاریخ حدیث» آمده است.

۵. چگونگی عنوان‌دهی

تلاش شده تا عنوان‌های زیرشاخه‌ها، شاخک‌ها و زیرشاخک‌ها، متناسب و مصطلح باشد؛ مثلاً در زیرشاخه «رجال» از عنوان «فلسفه رجال» که پرکاربردتر است به جای «مبادی» استفاده شده است و در آن عنوانی به شکل «گرایش‌های رجالی» نیامده چون هنوز چنین تفکیکی در دانش رجال وجود نداشته و زمان برای مطرح کردن آن، زود است. البته برخی از عنوان‌ها برای ایجاد توجه و ترغیب، مستقل شدند و برخی به جهت ادغام با یکدیگر، عنوانی دیگر یافتند.

در برخی از زیرشاخه‌ها، شاخک‌ها و زیرشاخک‌ها، کارهای حدیثی چندانی انجام نشده است. از این رو نیازمند گزاره‌شناسی است. گزاره‌شناسی، گونه‌ای از گردآوری و نمایه‌زنی موضوعی احادیث است که بیشتر در عرصه‌های میان‌رشته‌ای حدیث و علوم دیده می‌شود.

سوم) اولویت‌دهی

اولویت‌دهی، گامی مهم و نتیجه این طرح پژوهشی است؛ از این رو نیازمند ملاک‌هایی روشن و روشی منطقی می‌باشد. برای تعیین اولویت هر عنوان، کارهایی انجام شد که بیشتر به آن اشاره شد. نکات دیگری نیز شایان توجه است:

اولویت‌ها به چهار گروه از «الف» تا «د» تقسیم شدند. گروه نخست، فوری‌ترین نیازها را نشان می‌دهد. یکی از چالش‌های اولویت‌گزاری، دادن امتیاز «الف» به یک موضوع و در ادامه، نبودن

نیروهای لازم برای پاسخ‌گویی به تعداد پرشماری از کارهای فوری است. از این رو اولویت‌های پژوهش حاضر «پژوهشگرپایه» بوده و این معیار بر سایر معیارها «حکومت‌اصولی» داشته است. به بیان دیگر، پس از سنجش میدانی، روشن شد که در عرصه پژوهش‌های حدیثی حدود ۳۰۰ «پژوهشگر آماده» در سطح کشور وجود دارد. از این رو تلاش شد تا اولویت‌های «الف» از آمار ۳۰۰ تجاوز نکند. به همین نسبت، اولویت‌های «ب»، «ج» و «د» دو برابر، سه برابر و چهار برابر شده است. می‌شد از ملاک «تقدّم و تأخّر» عنوان‌ها نسبت به یکدیگر برای اولویت‌بندی بهره برد؛ به این معنا که عنوان‌های مقدّم‌رتبی، اولویت بیشتری داشته باشند. این ملاک با اشکالات چندی مواجه بود. نخست اینکه، همه عنوان‌ها نسبت به یکدیگر، تقدّم و تأخّر نداشتند و بسیاری از عنوان‌ها هم‌ردیف یکدیگر بودند. دوم اینکه بسیاری از عنوان‌هایی که دارای تقدّم و تأخّر بودند، تقدیم و تأخیرشان ترجیحی بود نه ضرورتی که امور، متوقّف بر آن باشد. به عبارت دیگر، این‌گونه نبود که عنوان‌های پسین، بدون پژوهش در عنوان‌های پیشین، قابل کار نباشد؛ بلکه عنوان‌های پسین پس از پژوهش در عنوان‌های پیشین، بهتر قابل کار است. این ترجیح در برابر مرجّحات دیگری همچون نیازهای واقعی جامعه، جایی برای عرض اندام ندارد. با نظر به این اشکالات، معیارهایی هفت‌گانه و نیز معیار «وجود واقعی پژوهشگران آماده» محور اولویت‌دهی قرار گرفت.

تعیین اولویت «الف» برای یک عنوان و اولویت «ب» برای عنوانی دیگر، الزاماً به معنی فاصله زیاد آن‌ها با یکدیگر نیست. گاهی با تفاوتی چنددرصدی در امتیازها، عنوانی در اولویت «ب» قرار گرفته است.

برای تعیین دقیق اولویت‌ها، معیارهای هفت‌گانه‌ای تعیین شد که پیشتر، اشارتی به آن آمد و هر عنوان در این چارچوب، امتیازی از یک (خیلی کم) تا پنج (خیلی زیاد) گرفت. جمع این امتیازها، اولویت‌های «الف» تا «د» را رقم زد. همچنین امکان بهره‌گیری از اعشار برای امتیازدهی در نرم‌افزار طراحی شده، وجود داشت و کارشناسان از عددهای اعشاری بسیاری برای امتیازدهی بهره گرفتند؛ به‌گونه‌ای که تعداد اعداد اعشاری بیش از اعداد صحیح بود. این نکته نشان‌دهنده میزان دقّت در امتیازهای تعیین شده است.

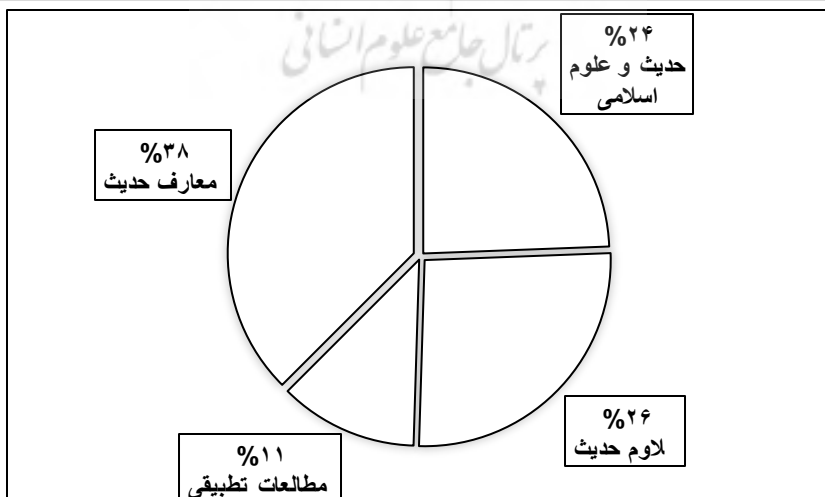
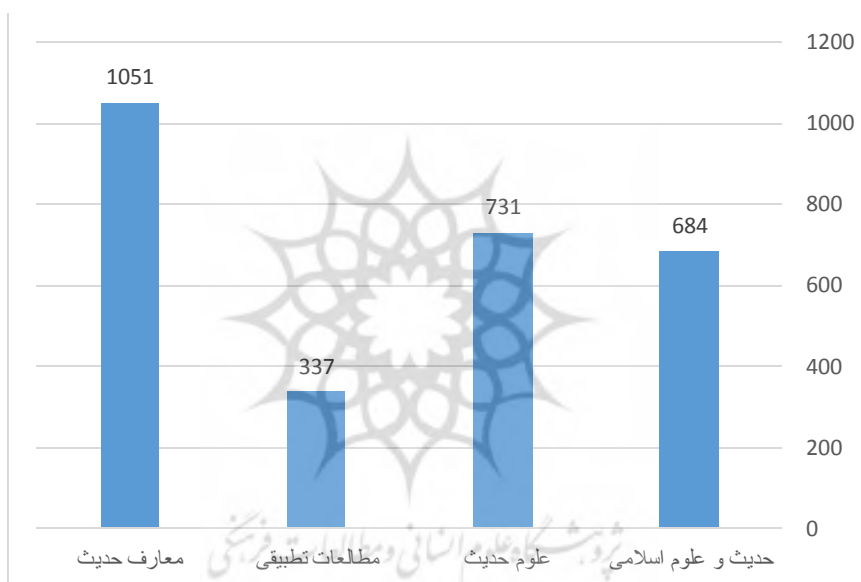
تعداد عناوین هر زیرشاخه و شاخک در اولویت‌دهی، مورد توجه قرار گرفت. در شاخک‌هایی که عنوان پژوهشی بیشتری دارد، تعداد اولویت‌های «الف» نیز بیشتر است و تلاش شده تا این نسبت در همه‌جا رعایت شود. هدف از توجه به این نسبت، آن بوده که نیازهای فوری، توزیعی مناسب یافته و زمینه پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه با نسبتی یکسان در موضوعات مختلف، فراهم شود.

ج) آمارها و تحلیل

پس از پایان کار نیازسنجی و اولویت‌دهی، آماری از تعداد عناوین بر اساس گرایش‌های علوم و معارف حدیث، قالب‌های پژوهشی و اولویت‌ها تهیه شد که در این جا ارائه می‌شود. سپس تحلیلی از این آمارها بیان می‌گردد.

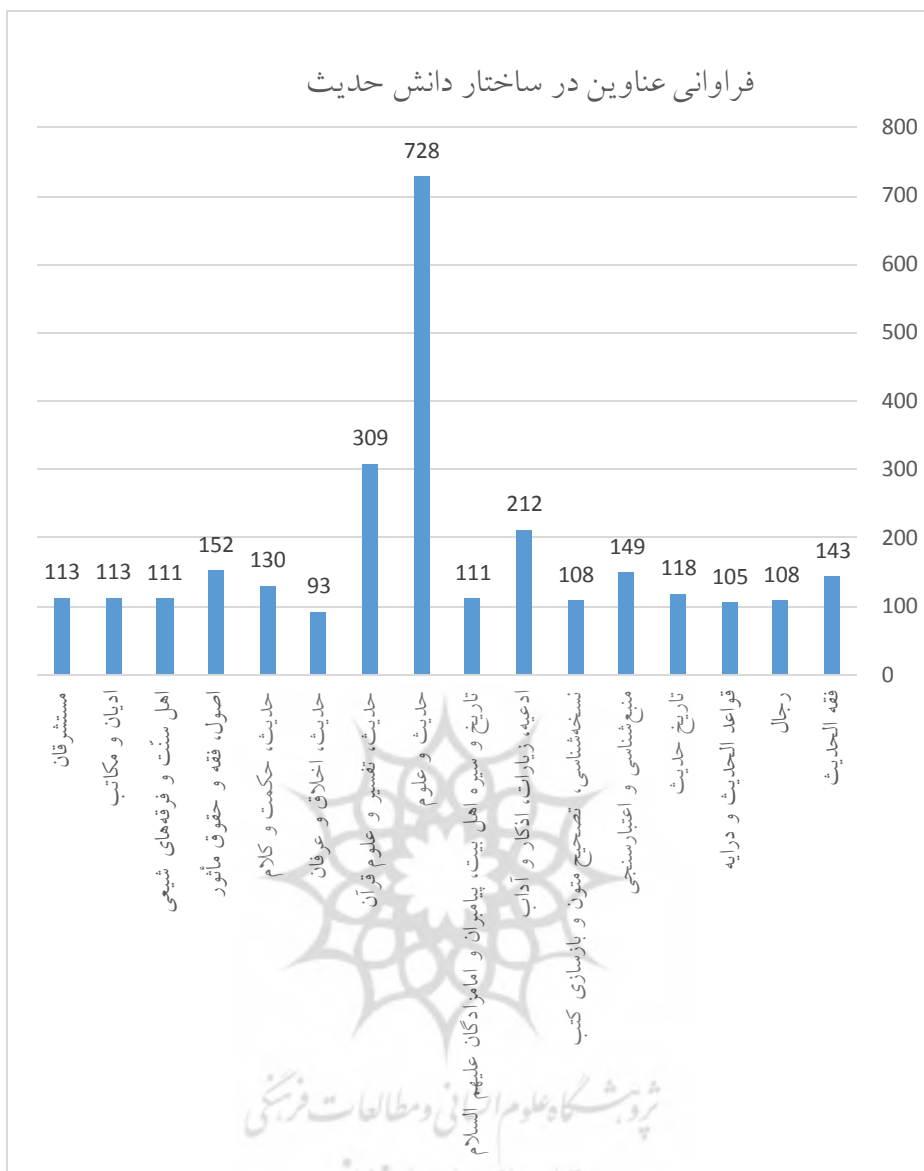
یکم) توزیع فراوانی عناوین پژوهشی بر اساس گرایش‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد از مجموع ۲۸۰۳ عنوان پژوهشی، بیشتر موضوعات در بحث «معارف حدیث» با تعداد ۱۰۵۱ عنوان است. اولویت‌های پژوهشی «علوم حدیث» با ۷۳۱ عنوان در رتبه بعدی قرار دارد. «حدیث و علوم اسلامی» با ۶۸۴ موضوع پژوهشی، ردیف سوم و «مطالعات تطبیقی» ۳۳۷ عنوان را به خود اختصاص داده است.



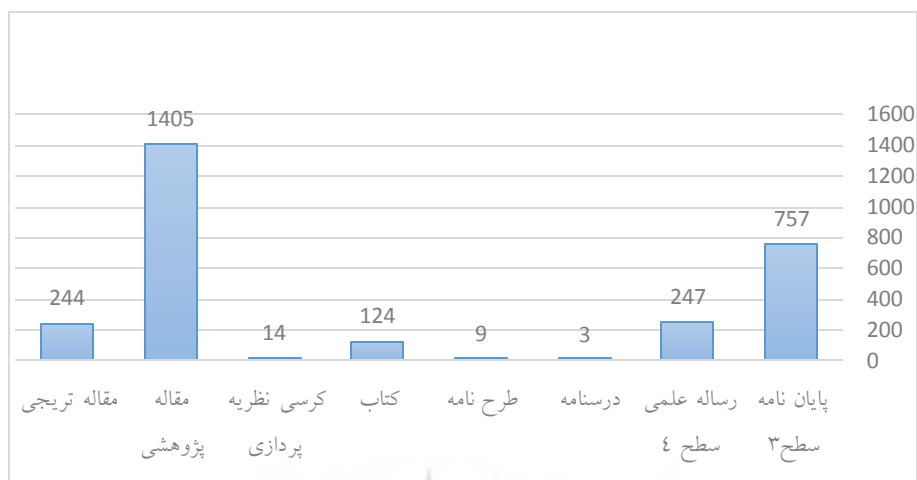
در جدول ذیل، تعداد عناوین هر گرایش بر اساس شاخه‌های اصلی آن‌ها گزارش شده است.

درصد	تعداد عناوین	شاخه‌ها	ساختار اصلی
۵/۱۰	۱۴۳	فقه الحدیث	علوم حدیث
۳/۸۵	۱۰۸	رجال	
۳/۷۴	۱۰۵	قواعد الحدیث و درایه	
۴/۲۰	۱۱۸	تاریخ حدیث	
۵/۳۱	۱۴۹	منبع‌شناسی و اعتبارسنجی	
۳/۸۵	۱۰۸	نسخه‌شناسی، تصحیح متون و بازسازی کتب	
۷/۵۶	۲۱۲	ادعیه، زیارات، اذکار و آداب	معارف حدیث
۳/۹۶	۱۱۱	تاریخ و سیره اهل بیت، پیامبران و امامزادگان <small>علیهم‌السلام</small>	
۲۵/۹۷	۷۲۸	حدیث و علوم	
۱۱/۰۲	۳۰۹	حدیث، تفسیر و علوم قرآن	حدیث و علوم اسلامی
۳/۳۱	۹۳	حدیث، اخلاق و عرفان	
۴/۶۳	۱۳۰	حدیث، حکمت و کلام	
۵/۴۲	۱۵۲	اصول، فقه و حقوق مأثور	
۳/۹۶	۱۱۱	اهل سنت و فرقه‌های شیعی	مطالعات تطبیقی
۴/۰۳	۱۱۳	ادیان و مکاتب	
۴/۰۳	۱۱۳	مستشرقان	



دوم) توزیع فراوانی عناوین بر اساس قالب‌های پژوهشی

از مجموع عناوین، قالب «مقاله علمی - پژوهشی» با تعداد ۱۴۰۵ موضوع در ردیف اول قرار دارد و «درس‌نامه» با سه موضوع پژوهشی در رتبه آخر جای گرفته است. در نمودار ذیل تعداد عناوین بر اساس نوع و قالب پژوهشی نمایش داده می‌شود.

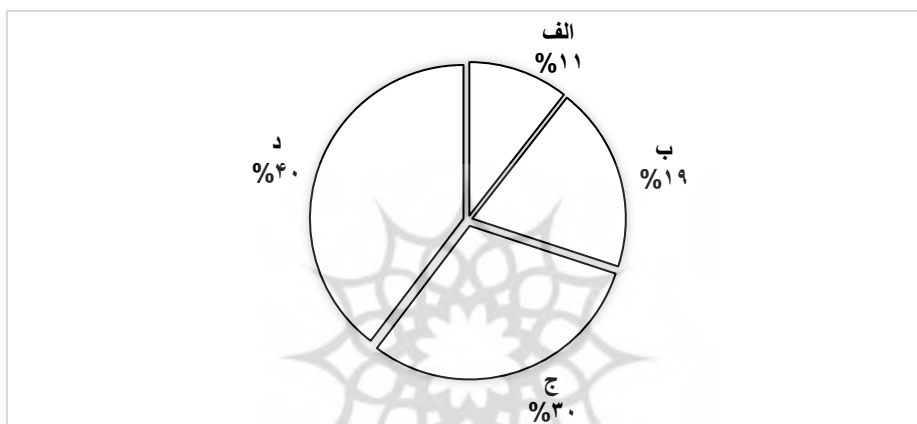
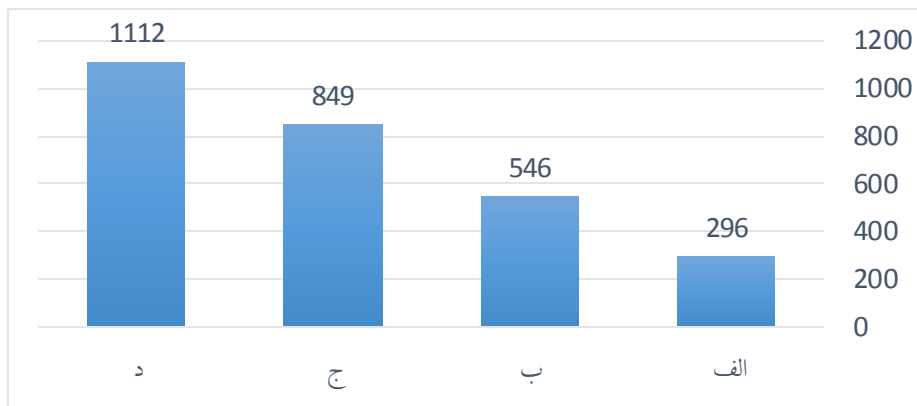


جدول زیر، درصد‌های جاگیری هر قالب را نشان می‌دهد.

ردیف	قالب و نوع پژوهش	تعداد عناوین	درصد
۱	مقاله علمی - پژوهشی	۱۴۰۵	۵۰/۱۲
۲	مقاله علمی - ترویجی	۲۴۴	۸/۷۰
۳	رساله علمی سطح ۴	۲۴۷	۸/۸۱
۴	پایان نامه سطح ۳	۷۵۷	۲۷
۵	کتاب	۱۲۴	۴/۴۲
۶	درس نامه	۳	۰/۱۰
۷	طرح نامه	۹	۰/۳۲
۸	کرسی‌های نظریه‌پردازی	۱۴	۰/۴۹

سوم) توزیع فراوانی عناوین پژوهشی بر اساس اولویت‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر در بخش اولویت‌بندی، نشان داد که از مجموع ۲۸۰۳ عنوان پژوهشی، تعداد ۲۹۶ عنوان از نیازهای پژوهشی به اولویت «الف»، ۵۴۶ عنوان به اولویت «ب»، ۸۴۹ عنوان به اولویت «ج» و ۱۱۱۲ عنوان به اولویت «د» اختصاص یافته است. فراوانی و درصد هر یک از اولویت‌ها در دو نمودار ذیل نمایش داده شده است.



چهارم) تحلیل آمارها

آمارهای این پژوهش نشان‌دهنده نکات جالب و نیازمند توضیحاتی است که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

بیشترین قالب پیشنهادی به «مقاله علمی - پژوهشی» اختصاص دارد. بیشتر بودن داوطلبان نگارش این آثار، موجب شده تا توجه بیشتری به این قالب بشود. از سوی دیگر، پرشماری این قالب که نیمی از پیشنهادها را به خود اختصاص داده، نشان‌دهنده ظرفیت بزرگ کار در این عرصه است. «مقاله علمی - ترویجی» و «کتاب»، آمار کمی را به خود اختصاص داده است. این امر با توجه به اینکه بیشترین مخاطبان نیازسنجی پژوهشی دانش حدیث، دارندگان مدارک سطح سه و چهار حوزوی و معادل‌های دانشگاهی‌اند، منطقی به نظر می‌رسد؛ زیرا این افراد بیشتر به قالب علمی - پژوهشی علاقه‌مند هستند. همچنین قالب کتاب، بهره‌ای عمومی داشته و مخاطبان اصلی این طرح، متخصصانی هستند که معمولاً تمایل کمی به نگارش کتاب‌های عمومی نشان می‌دهند. با این حال، پس از بررسی نیازهای عمومی جامعه، ۱۲۴ عنوان کتاب و ۲۴۴ عنوان مقاله ترویجی، پیشنهاد شده است.

کمی آمار «طرح‌نامه» و «درس‌نامه» به علت نیاز این دو قالب به حمایت سازمان‌های مرتبط است. قالب‌هایی چون، مقاله و پایان‌نامه، روندی روشن و داوطلبانی همیشگی دارد. در برابر، طرح‌نامه و درس‌نامه بدون حمایت نهادهای مرتبط، به ثمر نمی‌رسد. از این رو، عنوان‌های اندکی پیشنهاد شده است. روشن است که بسیاری از مواد مطرح‌شده در شاخک‌ها، قابلیت تبدیل به درس‌نامه را دارد.

پیشنهادهایی که برای برگزاری «کرسی نظریه‌پردازی» شده، متناسب با فضای موجود علمی کشور و عدم رغبت نهادها به حمایت از چنین کرسی‌هایی است؛ وگرنه نظریات متعدد دیگری نیز قابلیت طرح در کرسی‌های نظریه‌پردازی را دارد.

«پایان‌نامه سطح سه» در قالب‌های پژوهشی، پرشمارتر از سطح چهار است؛ زیرا خواهان بیشتری داشته و انجام آن نیز آسان‌تر است.

بیشترین شمار عنوان‌های پیشنهادی در شاخه «معارف حدیث» آمده است. علت این امر، وجود زیرشاخه «حدیث و علوم» در این شاخه است. این زیرشاخه، تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته و نیاز کنونی جامعه را شکل می‌دهد.

نتیجه

نیازسنجی پژوهشی علوم و معارف حدیث، پروژه‌ای نسبتاً بزرگ بود که با همت مرکز تخصصی حدیث حوزه و حمایت انجمن حدیث حوزه و معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه از سال ۱۳۹۳ آغاز و در سال ۱۳۹۶ پایان یافت. نتیجه این پروژه، کتاب «اولویت‌های پژوهشی علوم و معارف حدیث» است که با چند سال تأخیر، منتشر شد. اجرای این پروژه، مبتنی بر روشی روشن و الگویی کامل برای همه مراحل کار بود. این روش و الگو توسط نگارندگان همین مقاله و با مشورت صاحب‌نظران، تهیه شده و به تصویب ناظران رسید. مرحله «نیازسنجی» در چهار گام کلی، مرحله «تشکیل نظام موضوعات» و امور مرتبط با آن در سه گام کلی و مرحله «آمارگیری و تحلیل» آن در چهار گام کلی انجام شد. محصول این کار، ارائه ۲۸۰۳ عنوان پژوهشی در چهار اولویت و هشت قالب مختلف و ذیل چهار شاخه و ۱۶ زیرشاخه تخصصی است.

پیشنهاد پژوهشی

- اجرای پروژه «اولویت‌های پژوهشی» برای تکتک دانش‌های حدیثی بر اساس جدول نظام موضوعات

کتاب‌نامه

۱. راهنمای گام به گام نیازسنجی، محمد صالح مازنی، قم، معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۵ش.
۲. نیازسنجی پژوهشی مسأله‌یابی پژوهشی و اولویت‌یابی طرح‌های تحقیقاتی ویژه مدیران و کارشناسان واحدهای پژوهشی، کوروش فتحی واجارگاه، تهران، نشر آبیژن، ۱۳۸۷ش.
۳. مقاله «دستیابی به هندسه‌های نیاز، اولین راه تحول است»، مجله رهنامه پژوهش، ش ۶، ۱۳۸۵ش.
۴. مقاله «معیار شناسایی منابع حدیث و جایگاه آن در استناد و تخریج»، محمد مهدی احسانی‌فر، مجله حدیث حوزه، ش ۲، تابستان ۱۳۹۰ش.
۵. مقاله ضرورت نیازسنجی پژوهشی در پژوهش‌های سازمانی، ارفع بلوچی و فاطمه و حسین کارشکی و محمدرضا آهنچیان، ارائه‌شده در دومین همایش ملی مدیریت پژوهش و فناوری، تهران: پژوهشکده سیاست‌گذاری علم و فناوری و صنعت، ۱۳۹۰ش.

